

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

بررسی احتمالات در آیه 6 سوره نساء

بحث در این است که آیا از این آیه ششم سوره مبارکه نساء «وَابْتَئُوا الْيَتَامَىٰ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَأْكُلُوهَا إِسْرَافًا وَبِدَارًا» استفاده می‌شود که در تصرفات صبی بلوغ معتبر است یا رشد معتبر است یا مجموع این دو معتبر است و یا هر یک از اینها به نحو استقلالی معتبر است؟

عرض کردم که کثیری از فقها و مفسرین از این آیه شریفه استفاده کردند که در تصرفات صبی و یتامی هم بلوغ و هم رشد معتبر است، حالا برای اینکه ما ببینیم می‌توانیم به این نتیجه برسیم یا نه؟ محتملات در این آیه شریفه مجموعاً چهار احتمال است:

احتمال اول این است که بگوئیم غایت داخل در مغيّاست «وَابْتَئُوا الْيَتَامَىٰ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ» این حتی إذا بلغوا النکاح را بگوئیم غایت داخل در مغيّاست! مثل «أَكَلْتُ السمكة حَتَّى رَأَسَهَا» که در ادبیات از قدیم می‌خواندیم، آنجایی که می‌خواهند مثال بزنند بر اینکه غایت داخل در مغيّاست به همین مثال می‌زنند، «أَكَلْتُ السمكة» خوردم ماهی را «حَتَّى رَأَسَهَا» یعنی رأس ماهی را هم خوردم که غایت داخل در مغيّاست. اگر گفتیم ما نحن فيه مثل این «أَكَلْتُ السمكة حَتَّى رَأَسَهَا» است نتیجه این می‌شود که «ابتلوا الیتامی» ابتلا یعنی اختبار و آزمایش کردن، یتامی را آزمایش کنید و این آزمایش‌تان را استمرار بدهید، اگر به زمان بلوغ هم رسید که رسید، یعنی اگر اینها بالغ شدند باز و ابتلوا، اختبار کنید اینها را، آن وقت نتیجه این می‌شود «فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ» این تفریع برای ابتلاء است، ابتلائی که حتی زمان بلوغ را شامل می‌شود. نتیجه این می‌شود که اگر قبل از بلوغ شما دیدید که این رشید است این مال را به او بدهید «فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ» اگر دیدید قبل از بلوغ به مرحله‌ی رشد نرسیده اختبار را استمرار بدهید، حتی در زمانی که بالغ هم شده باز اختبار و امتحانش کنید، اگر به مرحله‌ی رشد رسید آنجا «فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ». در نتیجه بنا بر این احتمال تمام الموضوع برای جواز تصرف صبی رشد است، بلوغ بنا بر این احتمال هیچ نقش و دخالتی در مسئله‌ی جواز تصرف ندارد. نتیجه این می‌شود که اگر قبل از بلوغ با یک بار اختبار و آزمایش دیدید به مرحله‌ی رشد رسیده اموال را به او بدهید، اگر حتی دیدید نشده، بعد البلوغ تا زمانی که شما استیناس رشد کنید می‌توانید اختبار کنید.

آن وقت بنا بر این احتمال اینجا این سوال مطرح می‌شود که چرا خدای تبارک و تعالی مسئله «إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ» را مطرح کرد؟ می‌فرمود «وَابْتَئُوا الْيَتَامَىٰ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ»! سوال این است که اگر رشد تمام الموضوع است برای جواز تصرف صبی و یتامی، چرا «إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ» را خدای تبارک و تعالی در اینجا آورد؟

جواب این است که این برای این است که کسی توهم نکند که اختبار مخصوص غیر بالغین است، بگوئیم آنهایی که به مرحله بلوغ شرعی نرسیدند باید اختبارشان کرد، «وَابْتَئُوا الْيَتَامَىٰ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ» اینطور می‌شود، گاهی اوقات با لحنی هم که انسان آیه را می‌خواند می‌تواند معنا را افاده کند «وَابْتَئُوا الْيَتَامَىٰ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ» یعنی ولو بلغوا النکاح «وإن بلغوا حدَّ

النكاح» اما باز هم امتحانشان كنيد، آن وقت «فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ» اين احتمال اول، كه روي اين احتمال رشد تمام الموضوع است. پس اين يك احتمال كه غايت داخل در مغيّاست.

احتمال دوم اين استكه غايت خارج از مغيّا باشد، مثل همين آيه شريفه «كُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ» كه در مورد مسئله صوم إلي الفجر است، يعني خوردن و نوشيدن الي الفجر است. اين غايتي است كه آن زمان ديگر حقّ اكل و شرب نداري، اين غايت در اینجا خارج از مغيّاست. اگر غايت را خارج از مغيّا دانستيم نتيجه و معنای آيه چه مي‌شود؟ اينطور مي‌شود كه «وَأَنْتَلُوا الْيَتَامَى» اين ابتدا تا چه زمانی است؟ «حَتَّى إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ» تا زماني كه اينها به بلوغ رسيدند، در اين «بَلَغُوا النِّكَاحَ» دو احتمال داده شده؛ 1) كه كثيري از مفسرين مي‌گويند يعني همين بلوغ شرعي. 2) برخي مثل مرحوم حاج آقا مصطفي فرزند امام(رضوان الله تعالي عليهما) كه واقعاً يكي از كتبي كه آقايان بايد مراجعه كنند، هم در اصول و هم در فقه، مباحث اين شهيد بزرگوار است كه بسيار مرد دقيق النظر و عميقي بوده در مسائل فقهي، اصولي، فلسفي.

مرحوم والد ما(رضوان الله تعالي عليه) چون سال‌ها با مرحوم حاج آقا مصطفي هم‌بحث بودند داستان هايي را از ايشان نقل مي‌كردند مي‌فرمودند از جهت استعداد و جولان ذهني از مرحوم امام خميني قوي‌تر بود! البته مي‌فرمودند امام يك استقامت فكري صحيح داشت كه يك خط صحيح فقهي را از اول تا آخر داشتند كه مرحوم حاج آقا مصطفي آن را نداشت ولي جولان ذهني و استعدادش بسيار قوي بود. ايشان در اين آيه شريفه فرموده «حَتَّى إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ» يَحْتَمَلُ كه اين بلوغ نكاح آن معنایی كه جمهور مفسرين و فقها مي‌گويند كه معنای بلوغ شرعي است نباشد بلكه يك سَنِي بالاتر از آن در اين آيه شريفه مطرح باشد. در پسر اگر مي‌گوئيم بلوغ شرعي 15 سال است، اینجا مراد اين نباشد. يك معنای عرفي كنيم براي بلوغ نكاح، نه يك معنای شرعي. يك حدّ عرفي را در اینجا در نظر بگيريم كه روي اين حدّ عرفي چند سال يا بيشتر از آن حدّ شرعي مي‌شود، حالا فعلاً كار به اين جهت نداريم، در اين احتمال دوم مي‌گوئيم اگر غايت داخل در مغيّا نباشد نتيجه اين است: «وَأَنْتَلُوا الْيَتَامَى» يتامي را آمايش كنيد و مال را به دستشان بدهيد و بگوئيد برون معامله كنند، تا چه زماني حقّ آمايش داريد؟ تا زماني كه اينها به بلوغ نكاح برسند، اگر در اين زمانديد اينها رشيد هستند «فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ»، براي بعد از بلوغ نكاح چطور؟ مفهوم آيه اين است كه بعد از بلوغ نكاح ديگر نياز به اختبار ندارند، اختبار مال قبل بلوغ النكاح است و قبل بلوغ النكاح اينها را اختبار كنيد، بعد بلوغ النكاح ديگر نيازي به اختبار و آمايش ندارند، خود بلوغ من حيث هو كافيست، موضوع است براي اينكه مال را به آنها تحويل بدهيد.

نتيجه اين احتمال دوم اين است كه «كُلُّ مَنْ الرشد و البلوغ موضوع مستقّل لجواز دفع الأموال» يعني اگر يتامي رشيد بودند ولو بالغ نباشند مال را به ايشان بدهيد و اگر بالغ باشند ولو رشيد نباشند مال را به ايشان بدهيد! اینجا يك كسي بگويد اين قسمت دومش را از كجا استفاده كردي كه اگر بالغ باشند ولو رشيد نباشند مال را به ايشان بدهيد، مي‌گوئيم آيه بنا بر اين احتمال مي‌گويد اختبار مال قبل از بلوغ نكاح است، اگر بگوئيم خدا مي‌فرمايد بعد از بلوغ نكاح بعد از اينكه اينها بالغ شدند لازم نيست آمايش كنيد اما مال را هم به ايشان ندهيد، لازمه‌اش اين است كه بالغ أسوأ حالاً بشود از غير بالغ، غير بالغ را خدا مي‌گويد امتحانش كنيد اگرديد صلاحيت دارد مال را به او بدهيد، اما بالغ را بگويد نه! امتحانش نكنيد و مال را هم به او ندهيد، اين نمي‌شود، أسوأ حالاً مي‌شود بالغ از غير بالغ. پس بايد بگوئيم آيه مي‌فرمايد اگر قبل البلوغ رشيد شدند مال را به آنها بدهيد و بعد از بلوغ كه اختبار واجب نيست، ولو رشيد هم نباشند باز مال به اين يتامي داده شود.

احتمال سوم اين استكه ما بگوئيم «حَتَّى» در «وَأَنْتَلُوا الْيَتَامَى حَتَّى إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ» براي غايت است، و غايت را هم داخل در مغيّا بگيريم. اما مجموع را موضوع قرار بدهيم. يك سؤال اين استكه از چه زماني ابتلا شروع شود؟ مي‌گوئيم از زماني كه «يَحْتَمَلُ فِيهِ الرشد» ابتلا را از چه زماني در بچه آغاز كنيم؟ اين قرينه عرفي همراهش است، يعني از زماني كه ما احتمال رشدشان را مي‌دهيم، از زماني كه بالأخره احتمال مي‌دهيم اين خودش بتواند معامله كند. آيه مي‌فرمايد از اين زمان ابتلا را شروع كنيد و استمرار بدهيد، وقتي هم بالغ مي‌شوند باز هم استمرار بدهيد، آن وقت اگر «فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ» بگوئيم منهم يعني من اليتامي كه بالغ شدند، يعني اگر از يتامي كه بالغ شدند رشد راديد «فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ»، در نتيجه هم رشد و هم بلوغ هر دو بايد باشد!

یعنی همین که مشهور فقها و مشهور مفسرین آمدند استفاده کردند.

آن وقت اینجا دو سؤال مطرح است؛ سؤال اول اینکه برای ابتلا چرا این همه زمان را شارع مطرح کرده؟ از زمانی که احتمال رشد بدهیم تا زمانی که مسئله‌ی بلوغ باشد، جواب این است که «لأهمّیة الموضوع و احتیاج الكشف الرشید إلی زمان معتدّ به» موضوع خیلی مهم است، چون موضوع مسئله‌ی اموال یتامی است، باید این یتامی مورد اختبار قرار بگیرند، ببینیم آیا عقل و تدبیر دارند یا نه؟ این سؤال و جواب اول که چرا زمان اینقدر طولانی است.

سؤال دوم این است که اگر می‌فرمایید بلوغ و رشد هر دو معتبر است چرا امر به اختبار قبل البلوغ باشد؟ باید خدا بفرماید صبر کنید، اینها وقتی بالغ شدند، بعد البلوغ اختبار را شروع کنید! اگر دیدید که علاوه بر بلوغ رشد دارند اموال را به آنها بدهید.

جوابی که می‌شود اینجا داد این است که لأجل عدم التأخیر فی ردّ المال إلی صاحبه، اگر خدا بفرماید صبر کنید اینها بالغ شوند، بعد البلوغ شما اختبار را شروع کنید، خود همین ممکن است چند ماه طول بکشد و همین مقدار در دفع اموال تأخیر می‌افتد برای اینکه این تأخیر نیافتد می‌فرماید قبل از بلوغ اختبار و ابتلاء را شروع کنید، اما این ابتلا باید تا بعد از بلوغ استمرار داشته باشد و بعد از آن هم اگر دیدید رشید بودند اموال را بدهید. پس طبق احتمال سوم هر دو دخالت دارند (رشد و بلوغ).

احتمال چهارم که البته نتیجه‌اش مانند احتمال سوم است، این است که حتّی را بیائیم حرف استینافیه و ابتدائیه بگیریم، بگوئیم عنوان تعلیل را دارد، این در کلمات کنز العرفان فاضل مقداد آمده، فاضل مقداد در کنز العرفان جلد 2 صفحه 101 می‌فرماید «حتّی حرف ابتداء لأنّ بعده جملةً شرطية» اگر بعد از حتّی جمله‌ی شرطیه باشد برای ابتداء است «والجزاء جملةً أُخري شرطية» جزای اِذا چیست؟ «و هي فإن آنستم فالفاء الاولى جواب الشرط الاول» فإن آنستم جواب إذا بلغوا النکاح است، «والثانية یعنی فادفعوا إلیهم اموالهم للثاني» یعنی جواب مقدّری که بعداً از این جزاء و شرط درست می‌شود، یعنی بالغی که ایناس رشد شده است فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ، این احتمال چهارم نتیجه‌اش با احتمال سوم یکی است، اما در حتمال سوم «حتّی» را گفتیم برای غایت است، در اینجا می‌گفتیم ابتدائیه است، در احتمال سوم لازم نبود برای آن إذا جوابی در نظر بگیریم، می‌شد از شرطیّت الغاءش کنیم، اما در اینجا دیگر فرض این است که این «إذا» شرطیه است.

آقایان کتاب منیة الطالب مرحوم نائینی را ملاحظه کنید. نسبت به این چهار احتمال، هم امام(رضوان الله علیه) و هم مرحوم نائینی می‌گویند احتمال سوم اظهر احتمالات است، مرحوم نائینی دو وجه ذکر کرده که چرا اظهر احتمالات است، امام(رضوان الله علیه) هر دو وجه را ذکر می‌کنند و رد می‌کنند.

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين